

کتابچہ یاد - زیبائی شناسی

الن بدیو

ترجمہ انگلیسی:

آلبرتو توسکانو

ترجمہ: علی معصومی



مؤسسہ انتشارات نگاہ

تأسیس: ۱۳۵۲

فهرست مطالب

- در باره نویسنده ۷
- رو در رو با ابهام در هر سطح ۱۱
- یادداشت مترجم انگلیسی ۱۹
- فصل اول هنر و فلسفه ۲۳
- فصل دوم: شعر چیست؟ یا فلسفه و شعر بر لبه امر نام ناپدید ۵۳
- فصل سوم: فیلسوف فرانسوی به شاعر لهستانی پاسخ می دهد ۷۵
- فصل چهارم: تکلیف فلسفی، معاصر "پسوا" بودن ۸۹
- فصل پنجم: دیالکتیک شاعرانه: لبید بن ربیعہ و مالارمه ۱۰۹
- فصل ششم: رقص به منزله استعاره ای برای اندیشه ۱۳۱
- فصل هفتم: نظرهایی درباره تأثر ۱۵۷
- فصل هشتم: حرکت های نادرست سیما ۱۶۷

۱۸۹.....	فصل نهم: بودن، هستی، اندیشه: نشر و مفهوم
۲۵۱.....	فصل دهم: فلسفه بز-آدم
۲۸۳.....	جمع بندی
۲۸۹.....	یادداشت‌ها
۳۰۱.....	مقاله‌های پایانی
۳۰۳.....	"رویداد" در هنر: پاد-زیبایی‌شناسی؟
۳۱۷.....	هنر و فلسفه در کتابچه پاد-زیبایی‌شناسی بدیو
۳۲۷.....	درباره رویداد در اندیشه بدیو
۳۴۷.....	واژه‌نامه

فصل اول: هنر و فلسفه

پیوند میان فلسفه و هنر همواره دچار نشانه‌ای نالیسی^۱ یعنی نوسان یا تپش کردن در میان دو حد بوده است

داوری افلاتون در کاربهادن شعر و بمایش و موسیقی ار حامعه در سرچشمه‌های این نشانه حا دارد ناید نا این واقعیت رونه روشویم که بیان‌گذار فلسفه، که به روشی پیداست کارشاس فرهیخته همه هنرهای رورگار حود بوده است، تنها موسیقی ارتشی^۲ و آوارهای میهن پرستانه را به جمهوری^۳ راه داده است

در حد دیگر، سرسپردگی پارسامشانه‌ای به هر می بییم، و گونه‌ای صعب و خاکساری پورشحواهانه مفهوم هنر - که به مرله نشانه بیستی‌گرایی می در بطر گرفته می شود - در برابر واژه شاعرانه می یابیم که در عرصه کردن جهان تا سرحد "گشودگی" بهان پریشانی آن، تنهاست [۱]

1 symptom

2 military music

3 Republic

ناید از بونه صورت کامل برگرفته و پرورده شود تا فرد را حرسند کند فرد هیستریک با این کار مسئول و ارباب حدایگان می شود، او را ار حدایگان بودن "نار می دارد" و معشوق او می شود [۲] به همین شیوه، هر همواره از پیش وجود دارد، نا پرسش سوسورن و گنگ درباره همایی خود، در همان حال که از راه دگرذیسی و اختراع ثبات، سرحدگی خود را در مورد هر چیزی که فیلسوف ممکن است ناچار باشد درباره آن بگوید، حطاب نه اندیشه و اعلام می کند

اگر حدایگان فرد هیستریک خدمت گراری عاشقانه و بت پرستی ای را، که نارمای بهای این ار پادرامدگی و تولید همواره فریسده شساحت است، پدیدرد، نه رحمت می تواند گریه دیگری حر چماق ردن بر سر او داشته باشد [۳] نه همین شیوه، فیلسوف - حدایگان در هنگام رسیدن به هر در میان ستایش بت پرستانه و نکوهش، بر سر دوراهی می ماند یا نه حوان (حواری خود) می گوید که در دل هر آموزش بیرومد و پرشور حرد، احمار به فاصله گرفتن از آفریده بهمهته است، چون در عیر این صورت سرانجام کوتاه می آید و رضایت می دهد که تنها خود او - این درحشدگی کدر که کاری حراسیر نگه داشتن ما ندارد - نه ما در مورد زاویه ای که حقیقت از طریق آن، فرمان تولید شساحت صادر می کند آموزش ندهد

و چون آنچه برای روش ساحتس لارم است پیوند میان هر و فلسفه است، نه نظر می رسد اگر بحواهمیم نه شیوه ای رسمی سخن بگویم، اندیشیدن درباره این پیوند بر حسب دو طرح واره صورت می گیرد طرح واره نحست همان چیزی است که آن را طرح واره تعلیم گرا می حوائیم و فرصیه آن این است که هنر قدرت تولید حقیقت ندارد یا

اما، گذشته از هرچیر، ما از پیش، در بگزش های پروتاگوراس سوفسطایی^۱ می بیسیم که شاگردی هری نه مرله کلید فرهیحتگی در نظر گرفته می شود گونه ای یگانگی میان پروتاگوراس و سیمویدس^۲ شاعر، برقرار بود، بهانه ای که سقرات افلاتون می کوشید آن را رفع کند تا شدت اندیشه پدیدر آن را به خدمت هدف های خودش در آورد

تصویری نه دهن می آید، نوعی رهدان قیاسی فلسفه و هر ار لحاظ تاریخی مانس حدایگان یا دال فرمانده و فرد هیستریک لکان ناهم حفت شده اند^۳ می دانیم که فرد هیستریک نه سوی حدایگان می آید و می گوید "حقیقت نا دهان من سخن می گوید، من ایحا هستم تو که شساحت و دانش داری نگو من کی ام" طرافت و پیچیدگی ریرکانه پاسح حدایگان هرچه باشد، ما می توانیم پیش بگری کسیم که فرد هیستریک می گذارد که حدایگان نداند که او همور هیستریک بیست و "ایحا"یی که او ار آن یاد می کند از حوره دریافت حدایگان می گیرد و

۱ Protagoras. فیلسوف پیشاسقراتی یونان که افلاتون در "گفت وگو" او را سوفسطایی دانسته است او در گزاره معروفی می گوید "انسان معیار همه چیز است" [home mensural] و افلاتون این گزاره را نه این معا گرفته است که حقیقت مطلق حرا آنها که انسان حکم نه حقیقت بودنشان داده باشد وجود ندارد، بنابراین عالم بر پایه امری عیبی بیرون از نمود و ادراک انسان استوار نیست

۲ Simonides of Ceos شاعر عرل سرای یونان که دانایان اسکندریه هلی او را حرو نه شاعر ترار نحست تعرلی یونان دانسته اند

۳ لکان در سمیاری نا عنوان نه سوی روانکاوی، چهار مفهوم دال فرمانده یا حدایگان هگلی، دانشگاه، هیستریک، و روانکاوارا نا از تساطی پویا نا یکدیگر مطرح کرد در ایحا گفتمان نه معای پیوند اجتماعی استوار بر پایه "درون دهی بودن" است و بر ماهیت تراوردی ربان تأکید می کند سخن گفتن همیشه بر موضوعی دیگر دلالت صمی دارد